

سبک آموزش



چگونه کودکان و نوجوانان را مسئولیت پذیر بار بیاوریم؟

برچسب بی مسئولیتی به فرزندان نزنیم

هما ایرانی

در طول تاریخ و در تمام جوامع همواره افرادی وجود داشته‌اند که احساس مسئولیت کمتری نسبت به سایرین از خود نشان داده‌اند. این نکته در

مسئولیت پذیری یعنی چه؟

بی تردید برای مسئولیت پذیر کردن فرزندان ابتدا باید این مفهوم و ابعاد آن برای خودمان روشن شده باشد. هدی جعفری کارشناس ارشد روانشناسی در این باره می گوید: «اگر می خواهیم درباره مسئولیت پذیری بودن حرف بزنیم ابتدا باید تعریفی از آن داشته باشیم. مسئولیت پذیری در واقع قابلیت پذیرش و به عهده گرفتن کاری است که از کسی خواسته شده و اینکه فرد قابلیت پذیرش یک‌سری وظایف را در برابر خودش و دیگران داشته باشد.»

چرا کارهای فرزندان را خودمان انجام می دهیم؟
با توجه به شرایط فعلی جامعه، تحصیلات پشت سر هم دانش آموزان و دانشجویان که ممکن است تا سنین بالای ۲۵ سال هم به طول بینجامد، مشکلات مربوط به بیگاری، تک‌فرزندی و نگرانی های افزونی که برای والدین ایجاد می کند، شرایط کنونی انتشار بیماری ویروسی که بسیاری را در خانه نگه داشته است، مجموعه این عوامل موجب بروز برخی بی‌مسئولیتی‌ها در قشر کودک و نوجوان شده است. به نظر می‌رسد امروزه مادران و پدران کمتری به بچه‌ها این فرصت را می‌دهند که کارهای خود را خود به عهده بگیرند. جعفری در این باره با طرح برشی ادامه می‌دهد: «جامعه کنونی ما با این پرسش روبروست که چه شده که کودکان و نوجوانان که افراد بزرگسال آینده جامعه

سبک تربیت

میناراهی

«بهترین ارسی که پدر و مادر می‌توانند به فرزندان بدهند، ادب و تربیت صحیح است.» این را امام نخست شیعیان در حدیثی فرمود. مصداق این کلام را می‌توان در بزرگسالی افراد جست، هنگامی که به مر حله‌ای از رشد رسیده‌اند که هر آن چه در کودکی آموخته‌اند را در زندگی خود باز تاب می‌دهند. یکی در زندگی مشترک، یکی در برخورد با محیط زیست، یکی در برخورد با همکاران و دیگری در امتحان درسی دانشکده و ... شاید یکی از این ادب و تربیت صحیح احساس مسئولیت پذیری باشد که در زندگی ما ابعاد گسترده‌ای خواهد داشت. ادیان مختلف در این‌باره توصیه‌های مختلف داشته‌اند. حضرت عیسی تعلیم را از گناهان بزرگ برشمرده و آن را مغفور دانسته است. ولی به راستی این تنبلی که تا این اندازه مورد شمت‌ات قرار گرفته، از چه رو در افراد شکل می‌آید؟ تجربه نشان داده این تمایل از کودکی و خردسالی در خانه و خانواده‌ای که در آن یا به دنیا گذاشته‌ایم، شروع به شکل‌گیری می‌کند. حال اگر بنا بر فرموده حضرت علی(ع) بتوانیم از ابتدا ادب و تربیت صحیح را به فرزندانمان آموزش دهیم، آیا پدر به وجود نیامدن این خصوصیت مؤثر نیستیم؟ در این جا باید به این نکته توجه داشت که این ادب و تربیت صحیح در جایی مهم‌تر و مؤثر تر از خانه نیست که به فرزندان منتقل می‌شود. خانه‌ای که به طور کلی برای خود و خانواده و فرزندان خود فراهم می‌کنیم بستر آموزش این تربیت است. مکان و فضایی که اگر با اهداف ما برای آینده فرزندان‌مان متناسب نباشد، آینده و سرنوشتشان را به طور کل تحت تأثیر قرار خواهد داد.

این نکته را معلمان و آموزگاران به خوبی درک و تشریح می‌کنند. حتماً شما هم در مدرسه‌ای از این معلمان شنیده‌اید که دانش آموزان در کلاس، تربیت خانوادگی خود را به خوبی نشان می‌دهند و این در بین همسالان و هم‌کلاسی‌هایشان بهتر و واضح‌تر هم دیده و مشخص می‌شود. به راستی نیز هر فرد در بین همسالان خود به خوبی می‌تواند آنچه را که به عنوان تربیت به همراه دارد، در رفتار، کردار، گفتار و نیت و منظور کلامش به خوبی آشکار کند. از این رو خانه و محل زندگی‌مان مهم‌ترین جایی است که می‌توان برای پیداکردن خصوصیات و ویژگی‌های صحیح تربیتی نام‌بر، درم برای همین یکی از رحمت‌هایی که پدر و مادر به فرزند خود دارند، تربیت است. خاندان در قرآن می‌فرماید: «بگو خدایا!والدینم را مورد رحمت خود قرار ده، همان طور که این‌ها مرا در کودکی مورد

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱



نبود روحیه مسئولیت پذیری در کودکان و نوجوانان علل متعددی دارد. از این دلایل می‌توان به انتظارات بیش از حد والدین از فرزندان که ممکن است خارج از توان آنان باشد، اشاره کرد. شماتت و سسرزنش فرزند توسط والدین و ارزیابی نادرست فرزندان از سوی والدین یا برچسب زدن والدین به آنان مانند این جملات که تو نمی‌توانی، تو تنبلی و همین‌طور صبور نبودن والدین نسبت به فرزندان نیز از دلایل دیگر به شمار می‌رود

دستان‌ها و ضرب‌المثل‌های به‌جامانده از گذشته نیز دیده می‌شود. احساس مسئولیت پایین نسبت به‌اموری که به‌عهده‌داریم‌می‌تواند مشکلات بسیاری را برای ما و آتانی که با ما زندگی می‌کنند یا به نوعی با آنان سر و کار داریم،

ایجاد کند. این مشکل وقتی بزرگ‌تر می‌شود که افراد بیشتری از جامعه به این سمت و سو رو آورند. در این میان دوران کودکی و نوجوانی، مقطعی بسیار مهم محسوب می‌شود و نقشی بنیادین در مراحل بعدی زندگی دارد.

کودک ۱۰ ساله همان قدر عجیب است که انتظار در آمد ماهانه چند ده میلیون‌ی خانمی از همسرش که شغلی یا درآمد محدود دارد. شاید در بعضی موارد انتظارات ما از دیگران همین قدر عجیب و افراطی باشد. پس بهتر است از درست بودن و منطقی بودن توقع خود چه از فرزند، چه از همسر و چه از هر کس که با ما در ارتباط است، مطمئن شویم. این را در نظر داشته باشیم که تشویق به روش‌های مختلف و متناسب با سن افراد و متناسب با نوع شخصیت افراد بسیار ساده و تأثیر مثبت دارد.»

مسئولیت‌پذیری آموختنی است

این کارشناس احساس مسئولیت را امری اکتسابی و قابل آموزش می‌داند و می‌گوید: «بزرگسالی متأثر از تجربه‌های قابل یادگیری و اجزاست هر چند ممکن است در بزرگسالی

متأثر می‌کند ولی در مورد مسئولیت‌پذیری این را در نظر بگیریم که مسئولیت‌پذیری امری اکتسابی و در هر سن و شرایطی بر حسب اینکه خودشان تصمیم به تغییر بگیرند، قابل یادگیری و اجزاست هر چند ممکن است در بزرگسالی به تمرین و مداومت بیشتری نیاز داشته باشد.» جعفری در پایان به این نکته اشاره می‌کند که: «به یاد داشته باشیم پاداش مسئولیت‌پذیری برای افراد، احساس ارزشمندی بیشتر، اعتماد به نفس بالاتر و همین‌طور اعتبار اجتماعی افزون‌تر خواهد بود.»

روحیه مسئولیت‌پذیری در کودکان و نوجوانان صحبت کنیم، بهتر است ابتدا فرد را با حالت دوستانه، از نتایج منطقی کارش آشنا کنیم، یعنی فرد را با پیامدهای رفتارش

مواجهه و روبه‌رو کنیم. به این صورت که به فرزندان حق آمدن افراد را مربوط به دوران کودکی می‌داند و توضیح می‌دهد: «اگر بخواهیم به صورت ریشه‌ای و اصولی به این مقوله بپردازیم، شاید بهتر باشد نگاهی به کودکی و شیوه فرزندپروری از همان نخستین سال‌های کودکی بیندازیم و به عبارتی روحیه مسئولیت‌پذیری را از کودکی بررسی کنیم.» هدی جعفری ادامه می‌دهد: «نبود روحیه مسئولیت‌پذیری در کودکان و نوجوانان علل متعددی دارد. از این دلایل می‌توان به انتظارات بیش از حد والدین از فرزندان که ممکن است خارج از توان آنان باشد، اشاره کرد. شماتت و سسرزنش فرزند توسط والدین و ارزیابی نادرست فرزندان از سوی والدین یا برچسب زدن والدین به آنان مانند این جملات که تو نمی‌توانی، تو تنبلی و همین‌طور صبور نبودن والدین نسبت به فرزندان نیز از دلایل

توقعات‌مان باید منطقی باشد

جعفری می‌گوید: «یکی دیگر از راهکارهای پرورش مسئولیت‌پذیری این است که به افراد، مسئولیت متناسب با سن و توانشان سپرده شود. راهکار دیگر نیز این است که افراد در هر سنی که هستند، با تقصیرات و اشتباهاتشان روبه‌رو شوند و درباره آن‌ها توجه نیز بشوند.» «یکی از مهم‌ترین نکات این است که انتظارات واقع‌بینانه از افراد داشته باشیم.» جعفری با بیان این نکته ادامه می‌دهد: «به طور مثال انتظار درست کردن خورش قورمه سبزی از یک

ما به شمار می‌روند، دچار بی‌مسئولیتی و روحیه عدم مسئولیت‌پذیری شده‌اند؟»

دلایل مسئولیت‌ناپذیری کودکان

این کارشناس ریشه‌های مسئولیت‌پذیری و مسئول بار آمدن افراد را مربوط به دوران کودکی می‌داند و توضیح می‌دهد: «اگر بخواهیم به صورت ریشه‌ای و اصولی به این مقوله بپردازیم، شاید بهتر باشد نگاهی به کودکی و شیوه فرزندپروری از همان نخستین سال‌های کودکی بیندازیم و به عبارتی روحیه مسئولیت‌پذیری را از کودکی بررسی کنیم.» هدی جعفری ادامه می‌دهد: «نبود روحیه مسئولیت‌پذیری در کودکان و نوجوانان علل متعددی دارد. از این دلایل می‌توان به انتظارات بیش از حد والدین از فرزندان که ممکن است خارج از توان آنان باشد، اشاره کرد. شماتت و سسرزنش فرزند توسط والدین و ارزیابی نادرست فرزندان از سوی والدین یا برچسب زدن والدین به آنان مانند این جملات که تو نمی‌توانی، تو تنبلی و همین‌طور صبور نبودن والدین نسبت به فرزندان نیز از دلایل دیگر به شمار می‌رود.»

روبه‌رو کردن کودک با مسئولیت‌هایش

جعفری روبه‌رو کردن افراد با پیامدهای بی‌مسئولیتی‌هایشان را نکته‌ای قابل تأمل برمی‌شمرد و یادآور می‌شود: «اگر بخواهیم درباره افزایش و پرورش

ابعاد و اهمیت تربیت از منظر آیات و روایات

تربیت، بهترین میراث برای فرزندان



لطف و رحمت خویش قرار داده‌اند.»

حدیثی از پیامبر اسلام نقل شده که می‌فرماید: «به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آنها معاشرت نمایید.» (بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴)، مقوله تربیت و محبت در خانواده به قدری مهم است که روایتی در این‌باره اهمیتش را مشخص می‌کند. گفته می‌شود حضرت محمد(ص) مردم را به نماز دعوت کرد در حالی که حضرت حسن بن علی(ع) که طفل خردسالی بود، همراهشان بود. پیغمبر طفل را کنار خود نشاند و به نماز ایستاد. یکی از سجده‌های نماز را خیلی طول داد. راوی حدیث می‌گوید: من سر از سجده برداشتم، دیدم حضرت حسن بن علی(ع) از جای خود بر خاسته و روی کتف پیغمبر نشست است. وقتی نماز تمام شد مامومین گفتند: یا رسول‌الله چنین سجده‌ای از شما ندیده بودیم، گمان کردیم وحی به شما رسیده است.

پیامبر اسلام فرمودند: وحی نرسیده بود، فرزندم حسن در حال سجده بر دوشم سوار شد، خواستم تعجیل کنم و کودک را به زمین بگذارم، آن قدر صبر کردم تا خودش از کتفم پایین آمد. (بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۸۲). این روایت، پیام‌های متعددی به همراه دارد. پیامی که متناسب با این نوشته می‌توان از آن برداشت کرد، اهمیت بار بدن عزت نفس کودک است. اگر پیامبر(ص)، حسن بن علی را از دوش خود به گونه‌ای پایین می‌کشید تا زودتر از سجده

والدین امروزه در زندگی انجام نمی‌دهیم وایشان به روشنی به ما موخته است. از امام علی(ع) در این باره حدیثی نقل شده است، که در این محیط چه خوش می‌نشیند: کسی که کودکی دارد باید (در راه تربیت او) کودکانه رفتار نماید. (وسائل‌الشعبه، ج ۵، ص ۱۲۶).

از پیامبر(ص) همچنین منقول است که درباره تربیت فرزند فرموده‌اند: خداوند رحمت کند پدری را که با نیکی نمودن و مهربانی به فرزندش و با آموزش دادن و ادب کردنش او را در نیکی به خود یاری می‌کند. (مستدرک‌الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۶). شاید اگر هنگامی که خانه و زندگی خود را برای ورود فرزند یا تربیت او آماده می‌کنیم، پیش از هر چیز توجه‌مان به تربیت درست او باشد، آمار و ارقام بسیاری از آسیب‌های اجتماعی پس ازین بنباید. آمار و اطلاعات نشان می‌دهد بسیاری از تخلفات و جرائم مربوط به شخصی است که در کودکی هر چند از زندگی مرفه و راحت ولی از تربیت نادرستی برخوردار بوده‌اند.

چه بسا خانواده‌هایی که بیش از هر چیز به این فکر می‌کرده‌اند که بهترین زندگی برای فرزندشان، راحتی و است که آنان را با احساس مسئولیت و رشد می‌دهد؟ محیط خانه و خانواده باید چگونه باشد تا از بابت مسئولیت‌پذیر شدن فرزندان‌مان خیالمان آسوده باشد؟ هر پدر

یا مادر مسئولیت‌پذیری می‌خواهد بهترین شرایط زندگی را برای نمره زندگی‌اش یعنی فرزند، فراهم کند. پدر و مادر این شرایط را با تمام وجود، در حد توان خود و با امکاناتی که در اختیار دارند، در اختیار فرزند قرار می‌دهند. ولی نکته اینجااست که گاه ما پدر و مادرها از روی دلسوزی رفتاری را از خود نشان می‌دهیم که تربیت نادرستی به همراه خواهد داشت. گاهی یادمان می‌رود که فراهم کردن راحتی فرزند، با جور او را کشیدن تفاوت دارد. در این صورت ممکن است یادمان رفته باشد که فرزند موجود مستقلی است. شاید نتوانسته باشیم استقلال او را به عنوان یک انسان درک کنیم و در این صورت به جای اینکه فکر کنیم که فرزندم نیاز دارد به کمک و حمایت من، به این فکر کنیم که فرزندم نیاز دارد به کسی که به جایش عمل و رفتار کند. در این صورت ممکن است فرزندم به جای او فکر کنیم، به جای پدر و هن و موقعیتی تا این نیاز خواهند داشت.

قصه زندگی



پسرم کار نمی‌کند

لیلا جعفری

فکرش را هم نمی‌کردم که مشاور این حرف را به من بزند. راست راست توی چشم‌هایم نگاه کرد و گفت اگر پسرت در سن ۳۰ سالگی نمی‌تواند از پس زندگی و مشکلاتش بربیاید، تقصیر خودت است! فکرش را نکن، یک عمری نگذاشتم آب توی دلش تکان بخورد، خواستم کمکش باشم، هر وقت پولی کم می‌آورد کمکش می‌کردم، حتی بعد از ۱۸ سالگی. می‌خواستم خوشحال و شاد زندگی کند. ولی ببین حالا مشاور به من چه می‌گوید! اصلاً اگر نتوانسته کار ثابتی پیدا کند و برای خودش مستقل باشد، تقصیر بزرگ شدنش است؟ مگر نه اینکه مملکت که هیچ، دنیا درگیر مشکل بیگاری است؟

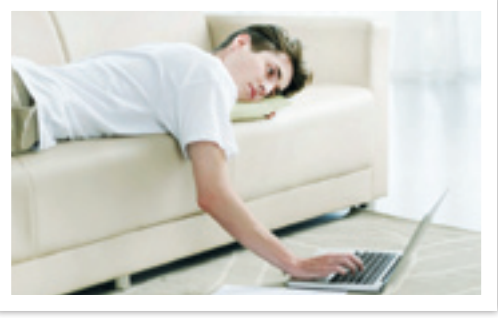
درست است که پسرخاله‌ها و پسرعمه‌هایش همگی سر کاری رفته‌اند و کار درست و حسابی برای خود پیدا کرده‌اند اما من می‌دانم که همه آنان با پارتی‌بازی رفته‌اند سر آن کارها. اگر نه در این شرایط با این همه بیگار، این یک الف بچه‌ها از کجا برای خود این کارها را دست و پا کرده‌اند. خانواده‌های‌شان می‌گویند با زحمت خودشان کار دلبخواهشان را پیدا کرده‌اند و برای خود برو بیایی به هم زده‌اند اما من که باورم نمی‌شود!

نگار من احمق و س ساده‌ام. اگر کار پیدا کردن به این راحتی‌ها است، چرا برای پسر قندسعل من کاری پیدا نمی‌شود؟ چرا او نمی‌تواند برود سر کار؟ هر چند مگر آن پسرهای فامیل هم که کاری پیدا کرده‌اند، چقدر درآمد دارند؟ هر کدام حقوقی می‌گیرند که ارزش گرفتن هم ندارد. نصف آن را خرج هزینه راه می‌کنند

و نصف دیگرش را هم خرج خودشان، پس چه می‌ماند برای زندگی‌شان؟ معلوم است که نمی‌توانند تنهایی از پس زندگی‌شان بربیایند، همه می‌گویند آنان به خانواده متکی نیستند و خودشان گلیم خود را از آب می‌کنند بیرون ولی مگر می‌شود؟!

اینها را می‌گویند که من کمتر کمک پسرم کنم، تا او در زندگی کم بیاورد و کم کم خانواده‌ای را

سبک مراقبت



بچه‌ها را تبیل و مصرف‌کننده بار نیابوریم

فرزندم! اینجا خانه است نه هتل

خاتون تهرانی

فرزندان‌مان را در خانه رشد می‌دهیم یا در هتل؟ محل زندگی که برای فرزندان‌مان که نظر گرفته‌ایم، چگونه جایز است؟ خانه ما جایی است که فرزندان‌مان می‌توانند مسئولیت‌های شخصی خود را انجام دهند و انجام آنها را به عهده ما بگذارند، یا جایی است که آنان را با احساس مسئولیت و رشد می‌دهد؟ محیط خانه و خانواده باید چگونه باشد تا از بابت مسئولیت‌پذیر شدن فرزندان‌مان سازگار تر است، جایی برای آرمیدن و استراحت و بزرگ شدن، یا جایی برای آرمیدن و استراحت و بزرگ شدن و رشد؟ در مورد نخست پیاداست جایی فراهم کرده‌ایم شبیه هتل، حتی اگر امکاناتش محدود باشد، و در مورد دوم جایی فراهم کرده‌ایم برای رشد و بالندگی.

در مورد دوم فضایی ساخته‌ایم که همه‌افراد خانواده، دست‌کم مسئولیت‌های خود هستند. در این صورت مستحکم اعضای خانواده می‌دانند که وظایفی به عهده دارند که کمترین آنها موارد شخصی است، مانند مرتب کردن لباس‌ها و وسایل شخصی یا کارهایی از این دست. این فضا که به مسئولیت‌پذیر شدن فرزند می‌انجامد، فراهم نمی‌شود مگر با کنار گذاشتن برخی دلسوزی‌های بی‌جا در خانواده. اگر شاهد برخی رفتارهای فرزندان هستیم که از روی بی‌مسئولیتی رخ می‌دهد، باید به رفتار خود با آنان و مراجه طوطی‌هایی که فرزند خود برایشان فراهم کرده‌ایم نگاه کنیم. شاید قصه دوستی خاله خرسه، در هتل محل زندگی‌مان در حال اجراست!